

دریچه ۴

۱۰ دلیل مبنی بر پذیرش؛

ضرورت تنظیم اسناد اتومبیل در دفاتر اسناد رسمی

حسن ایزدی^۱

۱ - قبل از تشکیل دفاتر اسناد رسمی، کار تسجیل اسناد معاملات مردم در محضر علما و مجتهدین انجام می‌شد و علما و مجتهدین، هم‌چنان که متصدی امر قضا بودند، مسئول تسجیل و ثبت معاملات افراد نیز بودند. پس از انقلاب اسلامی نیز تسجیل اسناد معاملات مردم هم‌چون قضاوت به علما و مجتهدین واگذار شد و فرد مجتهد و یا مأذون از مجتهد بایستی به امر قضا و تسجیل اسناد معاملات افراد بپردازد. هم‌اکنون، این امر با حکم رئیس قوه قضائیه که خود فردی مجتهد است به قضات مأذون و در امر سردفتری با حکم مأذون وی به سردفتران اسناد رسمی مأذون صورت می‌پذیرد. لذا چنانچه تسجیل اسناد معاملات را از مجتهدین و یا مأذونین از ایشان سلب کنیم، در واقع، به‌نحوی این امر مخالف شرع است و واگذاری امر از متخصصان به غیرمتخصصان می‌باشد.

۱ . سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۱۰۸ شیراز.

۲- آیه شریفه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره معروف به «آیه مداینه» دلالت بر این دارد که اسناد معاملات افراد باید به وسیله کاتبین عادل نگاشته شود و در این آیه دو شرط برای نگارنده اسناد آورده شده: الف - کاتب بودن، ب - عادل بودن.

الف) در خصوص کاتب بودن باید بگوییم که مقصود از کاتب فقط این نیست که کسی باشد که سواد خواندن و نوشتن داشته باشد؛ بلکه منظور کاتبی است که علاوه بر سواد خواندن و نوشتن، به قوانین شرعی و مسائل قراردادها و عقود و معاملات آگاه باشد و تا چنین شخصی وجود داشته باشد، بنابر قواعد عقلی نباید نگارش اسناد معاملات به افرادی که سواد خواندن و نوشتن دارند ولی به قوانین شرعی و معاملات تسلطی ندارند، واگذار شود. بنابراین وقتی که سردفتران اسناد رسمی که متخصص حقوق و قراردادها و معاملات هستند و علاوه بر آن، در این امور تجربه نیز دارند، وجود داشته باشند. بنابر قواعد عقلی واگذاری معاملات به سایرین خلاف عقل می باشد.

ب) در خصوص عادل بودن نیز با توجه به صدور حکم ابلاغ سردفتری از سوی قوه قضائیه و تحقیقات وسیع و گزینش سختی که در صدور احکام سردفتران صورت می گیرد، اصل بر عدالت آنان است.

۳- اصولاً معامله فقط این نیست که در برگی نوشته شود فروشنده فلان و خریدار فلان و مورد معامله فلان؛ بلکه باید سایر شرایط و ثمن معامله، در معامله قید شود و در بسیاری از موارد، شرایطی وجود دارند و حتی عقود غیر از بیع وجود دارند که تنظیم اسناد را به تخصص متخصصان نیازمند می کند. یا در صورتی که فروشنده فوت شده باشد، تعیین سهم الارث ورثه نیاز به تخصص فقهی و حقوقی دارد. حال باید گفت؛ برگ تعویض پلاک که فقط سه خصوصیت ذکر شده اول را دارد، آیا می تواند جایگزین اسناد واقعی شود و اساساً تأکید بر اجرای این همه مسائل فقهی و حقوقی، دیگر پس از این به چه کار می آید؟ لازم است هرکسی در

حوزه تخصص خود کار کند. سردفتر نمی‌تواند تشخیص دهد که فرضاً شماره شاسی حک شده بر موتور اتومبیل دستکاری و عوض شده است هم‌چنان‌که مأمور راهنمایی و رانندگی نیز به امور قراردادهای و مسائل حقوقی آشنایی ندارد. بنابراین چه خوب است که انجام وظایف، متناسب با تخصص‌ها باشد.

۴- اگر تعویض پلاک به منزله‌ی سند نیز تلقی شود و دیگر متعاملین نیازی به تنظیم سند در دفترخانه نداشته باشند، تکلیف هزاران سند وکالت تعویض پلاک که در آن فروشنده فقط به خریدار وکالت تعویض پلاک داده و آن را به‌هیچ‌عنوان بیع نمی‌دانسته و مبالغ کلانی از خریدار طلبکار است چه می‌شود؟ خریدار با وکالت مزبور تعویض پلاک نموده و تعویض پلاک به منزله انتقال نیز تلقی می‌شود و فروشنده مالباخته می‌گردد و آن‌چه را که قصد نداشته واقع می‌گردد و دستگاه قضایی با هزاران پرونده شکایت از این دست مواجه می‌شود که کاملاً منافی و مغایر سیاست کاهش پرونده‌های ورودی دادگاه‌ها است.

۵- این گفته که دیگر چه نیازی به دوباره‌کاری است و پس از تعویض پلاک دیگر نیازی به تنظیم سند در دفترخانه نمی‌باشد، مثل این است که بگوییم افراد جهت عقد ازدواج چه نیازی به مراجعه به دفاتر ازدواج دارند تا صرف هزینه بیش‌تر نمایند و مراجعه به ثبت احوال برای ثبت ازدواج کافی است و یا جهت ثبت طلاق مراجعه به ثبت احوال کافی است. می‌بینیم که اگر این سخن به این نحو گفته شود عکس‌العمل شدیدی ایجاد می‌کند. اینک در مورد معاملات نیز، هم‌چون امر ازدواج و طلاق، لازم است که معامله در دفتر اسناد رسمی صورت گیرد.

۶- اساساً چرا باید درباره‌ی تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی چانه‌زنی کرد؟ اصلاً مشخص است که دفاتر اسناد رسمی برای ثبت رسمی معاملات و تنظیم اسناد رسمی تشکیل شده‌اند و بالطبع تنظیم اسناد رسمی باید در این دفاتر صورت پذیرد و نه در جای دیگری.

۷- در مورد این که گفته می‌شود اداره راهنمایی و رانندگی از درآمد تعویض پلاک محروم می‌گردد و این امر مخالف قانون بودجه و قانون اساسی است، اساساً در لایحه اخذ جرایم رانندگی هیچ اشاره‌ای به حذف تعویض پلاک و محرومیت از درآمد تعویض پلاک صورت نگرفته و اصلاً قید شده که تنظیم اسناد باید پس از تعویض پلاک صورت پذیرد و بنابراین قانون مزبور نه تنها دولت و پلیس راهور را از این درآمد محروم نکرده بلکه بر آن تأکید کرده است.

۸- در مورد این که گفته می‌شود دفاتر برای تنظیم اسناد مبالغ نجومی دریافت می‌کنند، جای بسی تأسف است که اصلاً به واقعیات و آمار دفاتر که کاملاً واقعی است، مراجعه نمی‌شود و درآمد هر دفترخانه از تنظیم اسناد اتومبیل به‌طور متوسط چیزی کم‌تر از چهارصد هزار ریال است و هرکسی که مایل باشد می‌تواند با مراجعه به اولین دفترخانه و ملاحظه دفتر درآمد و نرخ حق‌التحریر به این امر آگاه شود و اساساً آنچه قابل توجه است، مبلغ حق‌الثبت و مالیات نقل‌وانتقال می‌باشد که متعلق به دولت است و ریالی از این مبالغ به دفترخانه نمی‌رسد.

۹- از منظری دیگر، در مورد این که گفته می‌شود تنظیم اسناد در دفترخانه مخالف قانون بودجه و قانون اساسی است و دولت را از درآمد تعویض پلاک محروم می‌کند، باید پاسخ داد که تنظیم نشدن اسناد در دفاتر است که مخالف قانون بودجه و قانون اساسی است و دولت را از درآمد کلان مالیات نقل‌وانتقال و حق‌الثبت و احیاناً مالیات بر ارزش افزوده محروم می‌سازد.

۱۰- عدم تنظیم اسناد اتومبیل در دفاتر اسناد رسمی، موجب بیکاری هزاران نفر در سطح کشور که اکثراً تحصیل کرده‌اند، می‌شود و این امر عواقب اقتصادی و اجتماعی فراوانی به دنبال خواهد داشت و در جایی که مقامات بارها گفته‌اند برای ایجاد هر شغل نیاز به حدود یک میلیارد ریال هزینه است کدام عقل سالم، بیکاری هزاران نفر را می‌پذیرد. آیا بیکاری عده‌ای سردفتر و دفتریار و کارمند دفترخانه به چه دلیلی باید صورت پذیرد و اساساً به‌خاطر عده‌ای بازنشسته که

حقوق‌های بالایی نیز دریافت می‌کنند، باید هزاران نفر را که درآمد دیگری نیز ندارند، از کار بیکار کرد؟

شایان ذکر است که این ادله تنها برخی از دلایل لزوم تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی بوده و مسلم است که با مذاقه بیشتر، با استدلال‌های بیش‌تری در این زمینه مواجه خواهیم شد. امید است آن‌چه گفته شد تأثیری در اصلاح امور داشته باشد.

